



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴/۰۲/۱۱

نوشته رهیاب رحیمی

## موتر سایکل جانعلی خان

جانعلی خان مدیر اداری ما از چند مقام امر رفت و خود را در آب و آتش زد تا اینکه یک عراده موتر سایکل هوندا پنجاه سی سی بدست آورد که در رفت و آمد بین وزارت و خانه اش، از آن استفاده نماید. اما از اینکه موتر سایکل های جدید، بخاطر پیشبرد کارها به مامورین فنی و مسلکی داده می شد، موتر سایکل جانعلی خان نه موتر درست داشت و نه سایکل آن سالم بود یعنی از هر لحاظ از پای افتاده بود.

اما او باز هم خوش بود که بالاخره به آرزویش رسیده بود و هر روز بخصوص در روزهای اضافه کاری پس از ختم کار، لنگ را بالای موتر سایکلش دور میداد و با چند اندل چالانش می کرد بعد فر فر کنان از دروازه وزارت خارج می شد.

جانعلی خان مامور بسیار زیرک و در عین زمان خیلی شخص قانونی بود. با هرکس با خوبی برخورد می کرد و یک سر مو از مقررات تخلف نمی کرد بهمین خاطر رئیس ما از نزدش خیلی خوش بود. اما بیچاره چون وزنش از صد کیلو بالا شده بود هم از فشار بلند خون رنج می برد، هم تکلیف شکر داشت و هم از درد کمر می نالید.

موتر سایکل چند روز لحاظش را کرد و بعد از آن نسبت نو یادی جانعلی خان و بیشمار کیلومتر که در روی سرک های هموار و ناهموار کیلومتر سپید کرده بود، سر ناشد را پیش گرفت و اکثر روزها حین آمدن به وزارت و یا در وقت رفتن بخانه، جانعلی خان را آزار می داد و در راه گل می شد.

بعد بیچاره مجبور بود که آنرا با پای پیاده تیله کرده تا آخر منزل برساند اما زمانی زیادتر خُلقش را تنگ می کرد که در راه آمدن به وزارت، خراب می شد و جانعلی خان باوجود کارهای زیادی که روی میزش قرار داشت، بخاطر خراب شدن موتر سایکل، در حالیکه از سر و رویش عرق جاری می بود نفس زنان و بسیار ناوقت به دفتر می رسید.

این کار یکروز دو روز نبود، هر بار باوجودیکه موتر سایکل را نزد مستری ترمیم هم می کرد اما باز هم بجای اینکه نقص اش برطرف و جانعلی خان بالایش آسوده شود، موتر سایکل از آزار و اذیت صاحب خود دست بردار نبود و موصوف مجبور بود در هفته دو سه بار آنرا تیله کرده دفتر بیاید و یا به همین ترتیب بخانه اش برود.

می گویند که در هرکاری یک حکمت نهفته است، این کش و گیر جانعلی خان و موتر سایکل برای ماه ها دوام کرد و در نهایت آن مرد مهربان متوجه شد که درد کمر و تکلیف شکر کم کم فراموشش شده و آثار آن در وجودش چندان دیده نمی شود.

ما همکارانش نیز در قد و قامت جانعلی خان یک نوع تغییرات مثبت را می دیدیم که رنگ و رخس تازه تر، اندامش باریکتر و نسبت به سابق به مراتب چالاک تر شده بود. در سابق وقتی می خندید از ترس اینکه یکی از دکمه های پیراهنش مانند مرمی فیر نشود و مخاطب را کور نکند، کسی جرأت نمی توانست در روبرویش قرار بگیرد. اما حالا این خطر هم از برکت موتر سایکل مدیر صاحب، از زندگی مامورین برطرف شده بود.

این آوازه در بین مامورین ریاست ما و بزودی حتی در سرتاسر وزارت تیت شد و هر مامور و کارمندی که از تکالیف کمر و شکر رنج می بردند عریضه ها را ترتیب دادند و در دو سه هفته بازار چندین عراده موتر سایکل

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

قرصه و از پای افتاده وزارت که برای یک قطره پترول خمار خوردند و دیگر امید رفتار روی جاده را از دست داده بودند، رونق گرفت و همه در ظرف یک هفته از طرف مامورین مصاب به درد کمر و شکر چور افتاد. بهمین ارتباط قصه ای یادم آمد که سالها پیش در جایی خوانده بودم:

در زمانه های گذشته، در انگلستان در دهکده ای که یک داکتر داشت، مردی به چندین نوع بیماری مصاب بود. وقتی نزد داکتر مراجعه کرد، پس از معاینات یک نوع تابلیت برایش توصیه کرد اما به شرطی که هر روز آن تابلیت را در معاینه خانه داکتر بگیرد.

هرچند معاینه خانه در بالای یک تپه قرار داشت و رفتن روزانه به آنجا برای مرد خیلی مشکل بود اما دیگر چاره ای نداشت باید نظر داکتر را عملی می کرد.

مرد ماه ها برای گرفتن یکدانه تابلیت هر روز به تپه بالا می شد و دوایش را می گرفت. اما پس از سه ماه متوجه شد که بیماری و کسالتش از بین رفته.

از داکتر بخاطر این تداوی و دواي مثمر تشکر کرد اما داکتر برایش گفت:

تو بیمار نبودی بلکه وزن زیاد و عدم تحرک، خودت را بیمار ساخته بود که ورزش روزانه بالا شدن به تپه و آمدن به معاینه خانه، این تکلیف ات را برطرف ساخت. این حکایت به ما می آموزد: هر کسی که درد کمر و تکلیف شکر دارد، موترسیکل کهنه بخرد!!!

پایان

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرولو مخکې په خير و لولئ